

برانگیز ارائه می‌دهند. برای ما هم اولویت، قصه و جهان درونی آن بود.

در مورد ایده اولیه «صدام»، چه زمانی این دغدغه برای شما شکل گرفت؟ ابتدا ایده آمد یا تحقیق و مطالعه بر موضوع دیکتاتورها شما را به سمت قصه کشاند؟

دغدغه اولیه وجود داشت. در واقع، مسائل و حواشی مرتبط با صدام و شخصیت‌های مشابه، مدتی ذهنم را مشغول کرده بود. سپس ایده اولیه شکل گرفت و بعد از آن بود که مطالعات تکمیلی آغاز شد. برای ما، صدام به عنوان نمادی از دیکتاتور معاصر، شخصیتی بسیار آشنا و ملموس است. هم به واسطه هشت سال جنگ تحمیلی که خانواده‌های زیادی را در ایران داغدار کرد و هم به خاطر تمام تبعات اجتماعی، روانی و فرهنگی‌ای که در جهان تا به امروز دارد.

آیا می‌توان گفت که فیلم تنها درباره یک دیکتاتور نیست، بلکه درباره میل درونی انسان به سلطه و باز تولید دیکتاتوری در لایه‌های مختلف جامعه است؟

خیر، ما در این اثر مستقیماً درباره خود صدام صحبت می‌کنیم و قصد نداشتیم شخصیت یا موقعیت او را نمادین کنیم. البته مخاطب آزاد است خوانش خودش را داشته باشد، ولی نیت ما چنین نبود.

اما در طراحی کاراکتر اصلی، صلاح که نقش آن را رضا عطاران بازی کرده، در صددی از خشونت دیده می‌شود، خصوصاً در همان سکانس‌های آغازین که با چنگال فرق سر پسر صدام را هدف می‌گیرد؟

صلاح، قهرمان این قصه است و ما روایت را از زاویه دید او می‌بینیم. او از ابتدا تا انتهای فیلم در مقابل صدام قرار دارد. این نکته در تمام فیلم مشهود است؛ شخصیت اصلی نه از نظر ایدئولوژیک، نه ذهنی، نه احساسی و نه حتی قلبی، به صدام نزدیک نیست. فقط در یک موقعیت جبری گرفتار شده و سر آغاز روایت، جنگ او با شرایط است. اتفاقاً او سعی می‌کند با کمترین تلفات از این بحران عبور کند. اینکه او نقش بدل صدام را بگیرد و در میان بعضی‌ها اسیر شود، بر اساس انتخاب شخصی‌اش نیست، گیر افتادن در این محیط نوعی از زندانی شدن است. او یک زندانی است که زندگی‌اش در حال نابودی است، اما هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید.

همین‌طور در طول فیلم صحنه‌های خشونت زیادی دیده می‌شود، تا اندازه‌ای که ژانر کمدی اثر دچار تحریف می‌شود، خصوصاً در سکانس‌هایی که حلیمه، مامور صدام در جریان درگیری با صلاح انگشت او را جدا کرده و می‌جود! نمی‌دانم این سکانس در نسخه اکران عمومی هم هست یا خیر، اما به یاد دارم که در جشنواره هنگام بخش این سکانس برخی تماشاگرها سرشان را پائین انداختند و پذیرای این میزان از خشونت در فیلم کمدی نبودند. منظورتان این نیست که سینمای خشونت، سینمای بدی است، ولی تماشاگری که قرار است بخندد بعضاً آمادگی هضم این حجم از خشونت را در یک فیلم کمدی ندارد.

این سکانس در اکران عمومی هم هست. البته بخشی از خشونت‌های فیلم در نسخه اکران کم شد، از نظر زمانی هم نسبت به اکران جشنواره، فیلم کوتاه‌تر شد. اما درباره صحبت شما؛ ببینید مسئله این است که ما نمی‌توانیم سینما را هنری جدا از واقعیت‌های زندگی بدانیم. چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از نظر فیزیکی، سینما بازتابی از واقعیت‌هاست. مخاطب ممکن است انتظار مواجهه با چنین صحنه‌هایی را نداشته باشد، اما اتفاقاً سینما وظیفه دارد، همان چیزهایی را نشان دهد که در انتظار مخاطب نیست. در مورد سکانسی که به آن اشاره کردید باید اضافه کنم؛ کاراکتری مثل حلیمه، یکی از جلادهای صدام است و کاملاً ظرفیت این خشونت را با توجه به شخصیت پردازی‌اش دارد.

فکر می‌کنم منظورتان از برهم زدن انتظار تماشاگر، آشنایی زیادی است. این دارای کارکرد ویژه‌ای است و البته وابسته به حفظ عناصری دیگری است که صحبت درباره آن در این گفت‌وگو نمی‌گنجد. اما در مورد تعامل و تقابل‌هایی که میان صلاح و خشایار رخ می‌دهد و عمدتاً به درگیری فیزیکی ختم می‌شوند. چرا این تنازعات بیشتر در لایه کلامی پیش نرفت؟

تنازعات و بده‌بستان‌های کلامی هم داریم. یعنی موقعیت‌ها ترکیبی از کلامی و فیزیکی است. فراموش نکنیم طنز اسلپ‌استیک شاخه‌ای پررنگ و پرطرفدار در میان کمدی بین‌ها است. شاید در میان مخاطب امروزی کمرنگ شده، اما هنری است که باید در قالب فرهنگ خود بازخوانی‌اش کنیم. خشونت فیزیکی، در واقع بخشی از زبان طنز ماست. البته تلاش کردیم تعادلی بین خشونت، دیالوگ و موقعیت ایجاد کنیم تا از افراط در هر کدام پرهیز شود.

انتخاب شخصیت تاریخی‌ای مثل صدام برای یک فیلم کمدی جسورانه بود. فکر نمی‌کردید این انتخاب سنگینی و سردی خاصی را به همراه دارد که ممکن است هم بر فیلم و هم بر کمدی غلبه کند؟ قطعاً همین‌طور است. فیلم در دو بخش ساخته شده. جاهایی که به مستندات صدام تکیه دارد، کاملاً بازسازی و واقعیت است و کمدی نیست، مثل صحنه‌هایی که مربوط به سخنرانی‌ها و یادستورات نظامی می‌شود. بخش دیگر شوخی‌ها با واقعیت‌های خشن آغاز است که حاصل تخیل نویسنده با موضوع است. مثلاً در همان ابتدای جنگ، صدام مدعی شده بود که به زودی در میدان آزادی سخنرانی خواهد کرد! اما اتفاقی که افتاد این بود که تنها توانست ۳۵ روز خرمشهر را درگیر کند. همین تناقض‌ها، دست‌مایه طنز شد، بدون اینکه از جنایت و خشونت صدام غفلت کنیم.

این فیلم اولین تجربه شما در ژانر سینمای کمدی ایران است. قطعاً قبل از این اقدام از وضعیت فعلی سینمای کمدی، آسیب شناسی لازم را داشته‌اید. با این وصف ارزشی کلی‌تان از کمدی‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده، چیست؟

عمده آثار سینمایی ایران به چند سبک و ژانر محدود شده است؛ کمدی، اجتماعی، ملی، دینی، دفاع مقدس و... اگر هر کدام از این‌ها درست ساخته شود، هیچ کدام مانع دیگری نیست و اصلاً نیازی به این دو قطبی‌سازی نداریم که بپرسیم کمدی یا اجتماعی؟ مسئله اینجاست که در همین چند سال اخیر چقدر توانستیم یک کمدی سرپا بسازیم و از اقبال مخاطب سواستفاده نکنیم؟ آیا فقط به فکر گیشه و خندانند بودیم یا سعی کردیم ذائقه مخاطب را هم بالا ببریم؟ من اعتراف می‌کنم که فیلم «صدام» شاید فقط یک گام توانسته است ذائقه مخاطب را تغییر دهد. آن هم به خاطر مفاهیمی که در لایه‌های زیرین داشت. اگر بخواهیم ارزشیابی دقیق کنیم باید بپذیریم که هیچ فیلمی کامل نیست؛ حتی فیلم‌های مطرح هم نمره کامل نمی‌گیرند. به عنوان یک عضو کوچک از این سینما، تلاش‌م این بود که فیلمی بسازم که آبرومند و شریف باشد و به شعور و وقت مخاطب احترام بگذارد. حالا اینکه چقدر این



تلاش موفق بوده یا خیر، باید مخاطب قضاوت کند. من به سهم خودم برای تک تک عناصر از فیلمنامه، تولید، بازیگری و فضا سازی و... وقت گذاشتم، چون احساس می‌کنم در روزگار پیش رو، برای ارتباط گرفتن با مخاطب، مایه‌ای فراتر از سینما نداریم.

با توجه به فروش کلی سینما؛ آیا حس نمی‌کنید که مخاطب اصلی سینمای ایران با سالن سینما قهر است؟

باید به این نکته توجه کنیم که مخاطب در برخی مواقع صرفاً به دنبال لحظاتی برای خندیدن و فاصله گرفتن از دغدغه‌های روزمره است. در زمان‌هایی دیگر، شاید ترجیح بدهد تنها باشد، فیلمی تماشا کند که او را به تأمل درونی و مواجهه با احساسات پنهانش ببرد. این همان جایی است که سینمایی از جنس دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر این نیازهای متنوع به درستی تأمین نشود، اعتماد مخاطب از دست می‌رود. به نظر من بخشی از مخاطبان نسبت به سینما بی‌اعتماد شده‌اند.

به نظر شما چطور می‌شود سلیقه مخاطب را بهتر درک و تأمین کرد؟ به نظر من باید عادت کنیم گام‌های کوچک اما مستمر برای سینما برداریم. هر هنرمندی به اندازه خودش باید سهم خود را از دغدغه بالا بردن سلیقه مخاطب، ولو اندک ایفا کند.

فیلم بعدی‌تان، در چه فضایی است؟ کمدی، درام و یا اجتماعی؟ هنوز واقعا مشخص نیست. چون همچنان درگیر مسائل مربوط به اکران و پخش «صدام» هستیم، موضوعات مرتبط با اکران و برنامه‌ریزی‌ها وقت گیر شده‌اند. اما احتمالاً تا چند روز آینده با نهایتاً همین ماه، وضعیت پروژه بعدی هم روشن می‌شود.

در بسیاری از فیلم‌های بینیم که کارگردان‌های جوان و تازه‌کار با بازیگران باتجربه و نام‌آشنا کار می‌کنند. به نظر شما این مسئله باعث نمی‌شود که تسلط کارگردان بر بازیگر کاهش پیدا کند؟

برای خودم تا حالا چنین اتفاقی نیفتاده است. با بازیگران زیادی کار کرده‌ام، از جمله خانم شاکر دوست، کوثری، مسعود کرامتی، پژمان جمشیدی، رضا عطاران و پریناز ایزدیار و... همیشه همکاری با این عزیزان بسیار حرفه‌ای و محترمانه بوده. هیچ وقت چالشی جدی با بازیگر نداشته‌ام. فکر می‌کنم اگر تعامل درستی برقرار شود، حتی پیشنهادهای بازیگران با تجربه می‌تواند بسیار راهگشا و سازنده باشد.

یعنی به نقش فعال و مولف بازیگر در فرآیند خلق شخصیت باور دارید؟

کاملاً. وقتی من به عنوان کارگردان بازیگری را انتخاب می‌کنم، یعنی به پیشینه حرفه‌ای او نگاه کرده‌ام، درباره‌ی خلق و خو و شیوه کارش تحقیق کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که می‌تواند آن نقش را ایفا کند. در این مرحله، گفت‌وگو و تبادل نظر با بازیگر بسیار مهم است. اگر بازیگر را به درستی وارد جهان فیلم کنیم، آن وقت نتیجه خیلی خوبی به دست می‌آید. اما اگر بازیگر و کارگردان در فضای متفاوت حرکت کنند، قطعاً تنش ایجاد خواهد شد.

درباره‌ی تجربه اکران آنلاین «یادگار جنوب» بگوئید، اکران سینمایی موفق‌تر بود یا اکران آنلاین؟

از نظر فروش، اکران سینمایی موفق‌تر بود. اما نمی‌توان منکر این شد که خیلی از مخاطبان ترجیح می‌دهند منتظر بمانند تا فیلم به پلتفرم‌های آنلاین بیاید و آنجا تماشا کنند. این هم واقعیتی است که باید به آن توجه کرد.

در پایان اگر نکته‌ای دارید اضافه کنید.

فقط این را می‌گویم که باید به مخاطب احترام بگذاریم. هر کدام از ما باید به اندازه‌ی سهم خودمان برای بازگرداندن اعتماد مخاطب تلاش کنیم. اگر حتی یک نفر این مصاحبه را بخواند، برای ما ارزش دارد، چون واقعا سینما بدون مخاطب معنایی ندارد. سینما یک هنر فردی نیست، بلکه پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی است که بدون همراهی مردم شکل نمی‌گیرد. امیدوارم حال مردم خوب باشد، فیلم‌ها را دوست داشته باشند و از سینمای ایران حمایت کنند.